

فواید چاپ نسخه‌برگردان*

اکبر ایرانی

چکیده

در این مقاله اهمیت و سودمندی چاپ نسخه‌برگردان نسخه‌های خطی مطرح شده و نویسنده کوشیده است با ذکر نمونه‌هایی از متون این سودمندیها را به‌ویژه در زمینه‌های واژه‌شناسی، شناخت تصاویر نسخه‌ها، اهمیت هنری آنها، و در دسترس قرار گرفتن اصل متنها بررسی کند. در ادامه مواردی از آسیب‌شناسی چاپ این متنها و لزوم ارزیابی جدی نسخه‌ها پیش از چاپ و نیز اولویتهای مهم در چاپ نسخه‌ها ذکر شده است. **کلیدواژه‌ها:** نسخه خطی، نسخه‌برگردان، واژه‌شناسی، آسیب‌شناسی چاپ عکسی، فواید چاپ عکسی.

مقدمه

نسخه‌های خطی به جای مانده از بیش از هزار سال فرهنگ و تمدن اسلامی، یادگار از درخشان‌ترین تمدنهای روی زمین‌اند. کثرت، عظمت و دیرینگی این تمدن باعث شده است تا تأثیر و دامنه آن به بسیاری از شاخه‌های فرهنگ و تمدن بشری گسترش یابد؛ از این رو محققان و ایرانشناسان برای شناسایی ریشه‌های بسیاری از

* در کارگاه تابستانی سال ۲۰۰۸ در اتریش ارائه شد.

فرهنگها و دانشها نیاز دارند تا این تمدن را به خوبی بشناسند.

بدیهی است که برای شناخت هر فرهنگ و تمدنی باید به پیشینه و عوامل درونی آنها مراجعه کرد و بی‌تردید یکی از شاخصه‌های اصلی تمدن اسلامی «کتاب و نسخه خطی» است. این شناسایی از جنبه‌های گوناگون قابل مطالعه و بررسی است که برخی از این موارد را می‌توان به اختصار چنین یاد کرد:

۱. فهرست‌نویسی و معرفی نسخه‌ها و بالطبع توجه به مسائل نسخه‌شناسی و مباحث ظاهری و عارضی و جسمانی نسخه‌ها.
۲. نگهداری و مرمت نسخه‌ها.
۳. تحقیق و تصحیح و پژوهش و انتشار نسخه‌ها.
۴. دیجیتالی کردن نسخه‌ها روی لوحهای نوری و مآلاً گذاشتن روی شبکه جهانی.
۵. چاپ نسخه‌ها به صورت نسخه‌برگردان.

بدیهی است هر یک از جنبه‌های فوق، دارای اهمیت و ظرفتهای خاص خود است و مؤسسات علمی و پژوهشی باید عهده‌دار پژوهشهای تخصصی و حرفه‌ای در این زمینه‌ها باشند. از سویی حجم این میراث چنان گسترده و عظیم است که برای رویارویی با آن باید به شیوه‌ای علمی عمل کرد تا کارها با کیفیت بهتری انجام شود. در حال حاضر کتابخانه‌های بزرگ و کوچک در کشورهای اسلامی و اروپایی و آمریکایی و دیگر مراکز، میلیونها نسخه خطی فارسی و عربی را در خود جای داده‌اند که تنها اندکی از آنها بررسی شده‌اند. مطابق آمارها از زمان تأسیس صنعت چاپ تاکنون در حدود ده‌هزار متن کهن فارسی و عربی به چاپ رسیده که حدود نیمی از این تعداد، مختص چاپهای سنگی است. در مورد کارهای انجام شده در ایران در سی سال گذشته آمار دقیقی وجود ندارد، اما تخمیناً می‌توان گفت که در حدود پنج هزار نسخه — اعم از رساله یا متن کامل — تصحیح و منتشر شده است. بنابراین می‌توان دید که کارهای انجام شده نسبت به حجم عظیم نسخه‌ها بسیار

ناچیز است و باید به شیوه علمی و به دور از شتابزدگیهای نامعقول، به پژوهش و انتشار آنها ادامه دارد.

یکی از راهکارهای معقول در این زمینه توجه به چاپ نسخه‌برگردان نسخه‌هاست که پیشتر پژوهشگرانی چون استاد ایرج افشار در قالب نشر نسخه‌ها در نشریاتی چون فرهنگ/ایران زمین منتشر نموده‌اند و نیز مؤسساتی چون بنیاد فرهنگ ایران، مرکز انتشار نسخ خطی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، مرکز نشر دانشگاهی و اخیراً سازمان گسترش فرهنگ پارس، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و مرکز پژوهشی میراث مکتوب اقدام به انتشار دستنویسهای کرده‌اند.

با این حال به نظر نمی‌رسد آمار چاپ عکسی نسخه‌های خطی فارسی و عربی در کشورهای مختلف از یکهزار مورد تجاوز کند. این مسأله نشانگر ناکافی بودن این تلاشها و به‌خصوص عدم توجه مراکز علمی به ضرورت و اهمیت و فواید چاپ نسخه‌برگردان است.

بخشی از این عدم توجه را می‌توان حاصل مشکلات فراوان کار و همچنین بالا بودن هزینه‌های چاپ و دشواری پخش این آثار — در نتیجه کم‌فروش بودن و عدم اقبال عمومی به این چاپها — دانست، اما به نظر می‌رسد که ناآشنایی مراکز پژوهشی و پژوهشگران و مخصوصاً کتابخانه‌های دارنده نسخ، با فواید چاپ نسخه‌برگردان، عاملی اصلی در این بی‌توجهی است.

مرکز پژوهشی میراث مکتوب در یکی دو سال اخیر با راه‌اندازی گروه پژوهشی نسخه‌شناسی، مطالعه روی نسخه‌های خطی را آغاز کرده و ضمن چاپ دو اثر — یعنی ترجمه سوره مائده به عنوان نخستین ضمیمه نشریه آینه میراث با مقدمه علی رواقی و نیز جنگ بیاض به عنوان ضمیمه شماره ۴ آینه میراث با مقدمه توفیق سبحانی — و اخیراً نسخه ختم/الغریب با مقدمه ایرج افشار و برت فراگنر، بررسیهای نسبتاً وسیعی را برای چاپ دیگر آثار صورت داده است که پنج عنوان آن در حال

حاضر مراحل آماده‌سازی نهایی را می‌گذراند.

در این میان تجربیات ارزشمندی برای ما به دست آمد که بخشی از آن مرتبط با شناسایی ویژگیها و همچنین شناخت ضرورتها و فواید این شیوه انتشار است. مقاله حاضر به قصد تبیین برخی از این تجربیات و بررسی برخی از ویژگیهای چاپ نسخه‌برگردان و ارتباط آن با متن‌شناسی تنظیم شده است.

۱. فواید زبان‌شناختی و متن‌شناختی

یکی از فواید اصلی چاپهای عکسی که کمتر مورد توجه قرار گرفته، ویژگیهای حوزه‌های زبانی مناطق مختلف است که در برخی از نسخه‌های خطی به وسیله اعراب و مشکول نمودن واژه‌ها، منعکس شده است که قهراً در سبک‌شناسی و گونه‌شناسی زبان فارسی کاربردهای بسیار دارد. این ویژگیها دقیقاً با متن آثار و تصحیح علمی آنها ارتباط پیدا می‌کند و ما در این قسمت به یکی دو نمونه از این ویژگیها در نسخه‌های خطی فارسی اشاره می‌کنیم.

۱.۱. ضبط واژه‌های فارسی در روزگاران کهن

از آنجا که نویسندگان شمار زیادی از لغتنامه‌های فارسی تألیف شده در شبه‌قاره هند چندان که باید با ظرایف این زبان آشنا نبوده‌اند، طبعاً دچار اشتباهاتی شده‌اند که در آثار بعدی نیز سرایت کرده‌اند. گاهی حتی به سبب درک نادرست از یک بیت یا بر مبنای صورت تحریف‌شده بیتی دیگر، لغت تازه‌ای را وضع کرده‌اند که اصلاً در فارسی وجود ندارد. در مورد ضبط و حرکت‌گذاری واژه‌ها نیز چون آنان اهل زبان و گوینده آن نبوده‌اند، لغزشهایی را مرتکب شده‌اند؛ یا واژه‌ای را بر مبنای تلفظ معمول آن در محدوده جغرافیایی خاصی ضبط کرده‌اند، در حالی که آن واژه در ایران بدان گونه تلفظ نمی‌شده است. بنابراین باید این نکته را در نظر داشت که این

ضبطها همیشه قابل اعتماد نیستند و در برخی موارد باید در آنها تجدید نظر شود. در این صورت باید دید چه منابعی را می‌توان پایه‌ی این کار قرار داد. روشن است که پس از آثار منظوم و جست‌وجوی ضبط واژه‌ها در قافیه‌ی بیتها بهترین گزینه‌ی ممکن نسخه‌هایی است که دارای حرکت‌گذاری باشند.

این جنبه از نسخه‌های خطی البته دارای حساسیتهای خاص خود است و باید دید که حرکت‌گذاریها را چه کسی انجام داده و تا چه میزان قابل اعتماد است. مثلاً نسبت به صحت ضبطهای نسخه‌ی *الابنیه عن حقایق الادویه*، که احتمالاً توسط خود مؤلف یعنی اسدی طوسی انجام گرفته است نباید تردید کرد؛ چرا که او، از ادیبان متبحر روزگار خویش بوده و، مطابق مشهور، لغت فرس او کهن‌ترین فرهنگ لغت فارسی است.

بدیهی است که نمی‌توان نسبت به ضبطهای این نسخه بی‌توجه بود. اما در مورد بقیه‌ی نسخه‌های حرکت‌گذاری شده نیز اغلب قضاوتی نادرست شده است و آن اینکه بسیاری از پژوهشگران تصور می‌کنند که این نسخه‌ها را کاتبان بی‌سواد کتابت کرده‌اند و در نتیجه ضبط این نسخه‌ها را بی‌اعتبار تلقی می‌کنند و دانسته‌های خود را برتر از آن ضبطها می‌دانند.

ملاک امروزی پژوهشگران ما در تصحیح متون یا نوشتن فرهنگهای لغت، لهجه‌ی مورد استفاده در تهران به عنوان زبان معیار و همچنین فرهنگهایی چون *لغتنامه‌ی دهخدا* است که خود بر اساس لغتنامه‌های پیشین فراهم آمده است^۱ و لذا مصححان ضبطهایی را ملاک قرار می‌دهند که در اصل آنها جای تأمل هست. چه بسا اختلافهایی که در ضبطهای یک نسخه نسبت به لغتنامه‌ها دیده می‌شود، حاصل اختلاف تلفظ در گویشهای مناطق مختلف باشد و یا حتی تلفظ صحیح واژه‌ها متعلق

۱. ناگفته نماند که در تدوین *لغتنامه‌ی دهخدا* احتیاطهای لازم به عمل آمده و اجتهادهایی شده است، اما باز هم نمی‌توانیم مطمئن باشیم که هیچ لغزشی در آن وجود ندارد.

به ادوار دور باشد که با گذشت زمان دچار تغییر شده است. به هر حال، گمان من بر این است که در رویارویی با این اختلافات نمی‌توانیم به‌سادگی داوری کنیم که کاتب نسخه دچار اشتباه شده است. پس پرسش این است که ضبط لغتنامه‌ها — که بیشتر آنها پس از سده نهم هجری در شبه‌قاره نوشته شده‌اند — بر ضبط اینگونه نسخه‌ها چه ترجیحی می‌تواند داشته باشد.

برای ذکر نمونه‌ای از این‌گونه ضبط‌های نامتعارف و تأیید صحت آنها، دو مورد از ضبط تلفظ اعداد در نسخه *الآبئیه عن حقایق الادویه* را یادآور می‌شویم. - عدد ترتیبی «دوم» در مواضع متعدد نسخه از جمله صفحه ۳ رو (تصویر ۱) به صورت «دُوم» ضبط شده است. ضمن توجه به این نکته که «دو» در مناطق شرقی ایران و همچنین افغانستان به صورت «دُو» — مانند آغاز واژه «دوست» — تلفظ می‌شود، در حدیقه سنایی نیز چنین تلفظی را می‌بینیم. مثلاً در بیت ذیل (سنایی، حدیقه، ص ۶۹۰) آمده است:

گفت برگوی حاجتِ دُومین که منم پادشاه روی زمین
یا برای نمونه‌ای متأخرتر از همین ضبط، در *دیوان فارسی فضولی* (ص ۲۱۹) آمده است:

منبع فیض هنر، مظهر آثار قبول آصف ثانی درگاه سلیمان دُوم
که بیتی از قصیده‌ای است با قافیه‌هایی چون آدم، قدم، اعظم، رستم و... با مطلع:
باز در ملک جهان عدل برافراخت علم

فلک افشانند ز دامان زمین گردِ ستم
- عدد «شش» در صفحه ۴ رو از *الآبئیه* (تصویر ۲) به صورت «شش» ضبط شده است. همین واژه را در *شاهنامه فردوسی* (دفتر ششم، ص ۳۷۰) نیز می‌بینیم که با همین ضبط به کار رفته است:

چو شد سال آن نامور بر سه شش دلاور گوی گشت خورشیدفش

نیز در همان متن (دفتر هشتم، ص ۳۳۶) آمده است:

چو شاهیم شد سال بر سی و شش میان چنان روزگاران خوش

۱.۲. ضبطهای فارسی شده واژه‌های عربی

نکته دیگری که بدان کمتر توجه شده این است که نویسندگان فارسی‌زبان هنگام به کار بردن واژه‌های عربی، معمولاً قواعد زبان فارسی را در این واژه‌ها اعمال می‌کردند. نمونه‌اش قاعده‌ای است که طبق آن، واژه‌های زبان فارسی را فاقد همزه در میانه می‌داند.^۲ این قاعده توسط برخی از نویسندگان و کاتبان ادوار پیشین رعایت شده و نمونه‌های آن بسیار است. مثلاً عنوان منظومه تحفة‌العراقین (ختم‌الغرائب) در نسخه وین به صورت «ختم‌الغرایب» ضبط شده است (تصویر ۳) و استاد افشار در چاپ عکسی این نسخه، همین شیوه نگارش را رعایت کرد. در متن نسخه نیز برای واژه‌های دارای همزه همین قاعده رعایت شده است.

در این مورد می‌توان به مثالی جالب توجه اشاره کرد. علامه محمد قزوینی در دیباچه تاریخ جهانگشای جوینی (ص صب) راجع به ضبطهای نسخه اساس آن چاپ می‌نویسد:

همزه بعد از الف زائده را در کلمات مانند قائم و دائم و عشائر و فضائل و نحوها هرگز به صورت همزه نمی‌نویسد بل یا بصورت یاء می‌نویسد یعنی قائم، دائم، عشایر، فضایل؛ و یا بدون هیچ نقطه و هیچ علامتی یعنی:....؛ و ما این نوع کلمات را در طی عبارات عربی مطلقاً به صورت همزه می‌نویسیم جریماً علی القاعده؛ و در طی عبارات فارسی، اغلب به صورت یاء چون بایع و بدایع و طایفه؛ و گاه به صورت همزه چون زاویه قائمه و مصائب وارده و نحو ذلک بر حسب اختلاف تلفظ غالب در ایران در این قبیل کلمات.

او در ادامه همان مطلب — که مختص واژه‌های فارسی است — نوشته است:

۲. یعنی همزه فقط در آغاز واژه‌های فارسی قرار می‌گیرد و این یکی از نشانه‌های شناسایی واژه‌های فارسی است.

کلمات مانند گوئی و درشت خوئی و جدائی و ابقائی و نحو ذلک را که اکنون با همزه نویسد، در این نسخه هرگز به صورت همزه ننوخته است، بل یا به صورت یاء می نویسد بدین هیأت: گوئی، درشت خوبی، جدایی، ابقایی؛ و یا بدون هیچ نقطه و هیچ علامتی و ما دفعاً لالتباس و تعمیماً للقاء، این نوع کلمات را مطلقاً به صورت همزه می نویسیم برسم حالیه.

به نظر می رسد، این گونه تصرفات مصححان باعث می شود تا ما از برخی قواعد زبانی که چه در تلفظ و چه در نگارش پیشینیان رعایت می شده است، غافل شویم؛ در حالی که این قواعد، چه در نگارش و چه در تلفظ رعایت می شده است.

باید توجه داشته باشیم که چنین قواعدی در میان گذشتگان رایج بوده اما در کتاب و اثری مستقل ضبط نشده — یا اگر شده به دست ما نرسیده — و لذا آگاهی ما از آنها بسیار ناچیز است و تنها راه ممکن برای کشف این قواعد آن است که نسخه های کهن را در دسترس پژوهشگران قرار دهیم تا آنها مطالعه کنند و به تدریج به این قسم قواعد دست یابند.

طبعاً در این زمینه نسخه های مربوط به سده پنجم هجری و پیش از آن، باید مورد توجه خاص قرار گیرد، چرا که فارسی نویسی در این دوره ها اولین مراحل و تجربیات خود را سپری می کرد و به همین دلیل نویسندگان آن روزگار نکاتی را در شیوه نگارش فارسی رعایت می کردند که گویا بعدها به دست فراموشی سپرده شد. برخی از این نکات تنها در زبان آن روزگاران رعایت می شد و پس از آن دیگر کاربردی نداشت و به همین دلیل دریافتن آنها برای امروزیان به آسانی امکان پذیر نیست. برای مثال بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۴۴ش به عنوان نخستین چاپ نسخه برگردان خود، قطعه ای از تفسیری ناشناخته را که گویا در اواخر سده چهارم یا اوایل سده پنجم نوشته شده است، به نام تفسیر قرآن پاک به چاپ رساند. هنگامی که من این نسخه را بررسی می کردم متوجه شدم که کاتب نسخه در نگارش حرف

«گاف» در برخی واژه‌ها، تفکیکی قائل شده است (تصویر ۴). او برای نگارش حرف گاف هنگامی که مضموم است و پس از آن حرف واو قرار دارد (حالت اشباع)، بر روی این حرف سه نقطه قرار داده، اما همین حرف را در شکل مضموم ولی بدون حرف واو پس از آن، با دو نقطه نمایش داده است. چنان‌که مشاهده می‌شود، کاتب حرف گاف را در واژه‌هایی چون «گروه»، «گروهی» و «گناهان» با دو نقطه ضبط کرده ولی همین حرف را در واژه‌هایی چون «گوید»، «ناگوارنده» و «گویند» با سه نقطه نوشته است.

قطعاً این‌گونه حرکت‌گذارها حاصل تفنن کاتبان نبوده است. احتمالاً نویسندگان دستور تاریخی زبان فارسی کمتر به ماهیت این‌گونه اختلافات پی برده‌اند و بی‌شک وجود چنین ضبط‌هایی می‌تواند آنها را به نتایج ارزشمندی رهنمون شود.

۱.۳. نسخه‌های خاص در پژوهش‌های متنی

چاپ نسخه برگردان متون، علاوه بر مواردی که ذکر کردیم، از دیدگاه متن مندرج در نسخه نیز گاهی در پژوهش‌های متن‌شناسی نقشی اساسی ایفا می‌کند. بدیهی است که این موضوع، بیش از هر چیز، بستگی به اهمیت نسخه‌ها دارد. به عبارتی، وقتی یک نسخه قابل توجه از یک متن منتشر می‌شود، کمکی اساسی در پیشبرد پژوهش‌های متن‌شناسانه آن اثر خواهد کرد. برای نمونه می‌توان به دستنویس مثنوی معنوی (نسخه شماره ۵۱ موزه مولانا در قونیه، مورخ ۶۷۷ق) اشاره کرد. این دستنویس پنج سال پس از فوت جلال‌الدین بلخی با نظارت فرزند وی، سلطان ولد، و خلیفه وی، حسام‌الدین چلبی، از روی مسوده‌هایی که به نظر مولوی رسیده بود، استنساخ شده است و در واقع نسخه اصل این متن به شمار می‌آید. بنابراین با وجود چنین نسخه‌ای، هیچ کدام از نسخه‌ها و چاپ‌های متن مذکور نمی‌توانند اهمیت چاپ نسخه برگردان نسخه را داشته باشند. تنها مزیت چاپ‌های حروفی — آن هم در

صورتی که بر اساس این نسخه تنظیم شده باشند — این است که خوانندگان ناآشنا با شیوه‌های کتابت و خط قدیم می‌توانند این اثر را با سادگی بیشتری مطالعه کنند.

۲. ارتباط ماهوی تصاویر نسخه‌ها با متن آنها

در میان نسخه‌هایی که از روزگاران دیرین به دست ما رسیده است، گاهی با متونی مواجه می‌شویم که تصویر در آنها جزو عناصر ماهوی متن به شمار می‌آید و بسا دریافتن مطالب متن بستگی زیادی به تصاویر آنها دارد.

در این مورد می‌توانیم به‌ویژه از متون علمی یاد کنیم. مثلاً نقشه‌ها در نسخه‌های یک متن جغرافیایی اهمیت بسزایی دارند و علاوه بر کمک در درک صحیح از متن مذکور، حتی در مطالعات تطبیقی میان نامهای جغرافیایی در روزگاران گذشته با دانسته‌های امروزی بسیار مفید هستند. یا مثلاً در بخش «تشریح بدن» در کتابهای پزشکی یا کتابهایی — مانند *تشریح‌الابدان* — که اختصاصاً درباره تشریح بدن انسان نوشته شده‌اند، توجه به تصاویر بسیار ضروری است و به‌خصوص در مطالعات تطبیقی به کار می‌آید. نیز در کتابهای گیاه‌شناسی — مانند *حشایش دیسکوریدس* — شناسایی گیاهان مورد گفت‌وگو در متن، از راه تصاویر نسخه‌های این متون امکان‌پذیر است.

در مورد تصاویر مندرج در این‌گونه نسخه‌ها، توجه به یک نکته ضروری است و آن اینکه پیشینیان تقریباً همیشه شکل دو بُعدی اشیا را ترسیم می‌کردند و به همین دلیل شاید در نگاه اول این نمونه‌ها با شکل اصلی آنها مطابقت نداشته باشند، اما با بررسی دقیق‌تر و مطابقت این تصاویر با نمونه‌های اصلی درمی‌یابیم که نگارگران سعی داشتند تا در تصویرگری این نمونه‌ها، خصوصیات اصلی آنها را نمایش دهند. باید توجه داشت که در چنین متونی، حتی اگر بخواهیم متن تصحیح شده آنها را منتشر کنیم، باز هم ناگزیریم که عین تصاویر را از نسخه‌ها نقل کنیم. این موضوع در

کتابهای مرتبط با علم نجوم و علم حیل نیز صادق است؛ چرا که دریافت صحیح متن تنها در کنار این تصاویر امکان‌پذیر است.

۳. کاربردهای هنری نسخه‌ها

از مهم‌ترین کاربردهای چاپ نسخه‌برگردان نسخه‌ها، انتشار نسخه‌های مصور و هنری است. می‌دانیم که بخش اصلی هنر نگارگری، خوشنویسی و... در قالب نسخه‌های خطی برای ما باقی مانده است و لذا بررسی تاریخ این هنرها تنها از راه دسترسی به تصویر این آثار ممکن است.

در مورد انتشار تصاویر نقاشیها باید گفت که متأسفانه به جز چند نمونه معدود، چاپ نسخه‌برگردان تمامی یک نسخه مصور مورد توجه نبوده است. بیشتر آگاهی ما از تاریخ نگارگری از طریق نگاره‌های پراکنده‌ای بوده است که در کتابهای تاریخ هنر به چاپ رسیده‌اند. این در حالی است که برخی از نسخه‌های مصور، حاصل همکاری چندین تن از هنرمندان یک روزگار بوده‌اند و انتشار چنین دستنویسهایی در واقع به منزله انتشار آثار چندین هنرمند از یک روزگار و بررسی سبک نگارگری آنان است.

برای نمونه از دستنویس جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله (نسخه ۲۲۵۴ کتابخانه کاخ گلستان، مورخ ۱۰۰۴ق) می‌توان یاد کرد که حاوی ۹۸ نگاره از شاهکارهای نگارگری مکتب مغولی هند است و هر کدام از آنها را یکی از نگارگران نام‌آور ترسیم کرده است.

در نسخه‌های مصور — به خصوص اگر تعداد نگاره‌های یک نسخه زیاد باشد — دیگر نمی‌توان به سادگی پذیرفت که فقط صفحات دارای نقاشی چاپ شود و لازم است که تمامی نسخه به صورت یکجا انتشار یابد. نسخه‌های مصور تنها شامل مجالس نقاشی نیستند، بلکه در این نسخه‌ها مجموعه‌ای از هنرهای مختلف

کتاب آرابی به کار رفته که شامل نمونه‌هایی چون خوشنویسی، تذهیب، جدول‌کشی، تزئینات کاغذ — مانند ابریه‌ها، متن و حاشیه، زر افشان، و طلااندازی — می‌شوند و باید گفت که متأسفانه این هنرها در کنار نقاشیها رنگ باخته‌اند و پژوهشگران تاریخ هنر صرفاً به چاپ تصاویر یک نسخه اکتفا می‌کنند.

حتی در برخی موارد، نسخه‌ها دارای تحریرهایی خاص از یک متن هستند که بررسی آنها از دیدگاه تاریخ تحول یک متن و تحریرهای آن حائز اهمیت است. برای نمونه می‌توانیم به مقدمه شاهنامه بایسنقر اشاره کنیم که یکی از سه تحریر موجود از مقدمه‌های شاهنامه فردوسی را شامل می‌شود و اختصاصاً برای آن نسخه تهیه شده و از راه این نسخه به نسخه‌های بعدی راه یافته است. همچنین است تحریر ابیات شاهنامه که توسط این نسخه به دیگر نسخه‌ها راه یافته است.

در مورد برخی از متون هنری یک نکته را باید مد نظر قرار داد و آن اینکه ماهیت برخی از این آثار بستگی مستقیم به نسخه‌های آنها دارد و چاپ متن این آثار صرفاً نمی‌تواند منتقل‌کننده مقصود نویسنده باشد.

در این مورد مثلاً می‌توانیم از متون آموزش خوشنویسی یاد کنیم. در این‌گونه آثار، نویسنده قصد دارد که شیوه خوشنویسی به یک یا چند خط را آموزش دهد. در این‌گونه آثار، معمولاً نمونه‌هایی از شیوه تحریر هر کدام از حروف نیز در کنار متن به نمایش گذاشته می‌شود. حال اگر چنین متنی مربوط به سده نهم یا دهم باشد، روشن است که نویسنده شیوه رایج در روزگار خود را آموزش می‌دهد، بنابراین نمی‌توانیم در چاپ این‌گونه آثار مثلاً از نمونه‌های مندرج در کتاب تعلیم خط حبیب‌الله فضایی استفاده کنیم.

موضوع انتشار اصل نمونه‌های این‌گونه آثار در برخی از این متنها دارای ظرایف بیشتری است. مثلاً در خط نستعلیق، شیوه‌های مختلفی توسط هر کدام از استادان این خط ابداع شده است. در این صورت آیا می‌توانیم برای رساله‌ای که توسط جعفر

تبریزی (بایسنقر) نوشته شده، از نمونه‌های شیوه خط میرعماد استفاده کنیم؟ البته در مورد چنین نسخه‌هایی باید توجه داشت که یک نسخه «اصل» — به خط نویسنده — ارزش متفاوتی نسبت به رونویسهای آن دارد؛ حتی نمونه خط مندرج در برخی از این رونویسها بعضاً ارزشی بیش از نمونه‌های جدید دارد.

در این باره حتی گاه دیده می‌شود که مصححان به نمونه‌های مندرج در این نسخه‌ها کاملاً بی‌توجه بوده‌اند. برای مثال یکی از کهن‌ترین رساله‌های فارسی در زمینه آموزش خط و خوشنویسی بخشی است که علی بن محمد بن سلیمان راوندی در کتاب *راحة الصدور و آية السرور* (ص ۴۳۹-۴۴۵) درج کرده است. راوندی به توصیف شیوه نگارش حروف الفبا پرداخته و هر کدام از آنها را با ارائه نمونه‌هایی نمایش داده است؛ ولی در چاپ افست این اثر فقط متن آمده و تصاویر مرتبط با آن حذف شده است. این مطلب درباره انواع دیگری از نسخه‌ها نیز صادق است؛ برای نمونه در مرقعها که معمولاً دیباچه‌ای از تهیه‌کننده، در آغاز آنها آمده است و برخی از آنها حاوی تاریخ هنرهای ادوار مختلف — به‌خصوص معاصران نویسنده — است. در مرقع بدیهی است که تمام اجزای آن — حتی ساختار فیزیکی آن — از آثار هنری تشکیل شده است و صرف انتشار مقدمه آن نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای پژوهشگران باشد، به‌خصوص که برخی از مطالب مندرج در مقدمه مرقعها مرتبط با آثار موجود در آنهاست و بدون انتشار این نمونه‌ها، بررسی و کاربرد اصلی دیباچه‌های این نسخه‌ها مهمل خواهد ماند.

۴. قرار دادن نسخه‌ها در دسترس پژوهشگران

یکی از مهم‌ترین فواید چاپ عکسی نسخه‌های خطی، قرار گرفتن آنها در اختیار شمار بیشتری از پژوهشگران سراسر جهان است.

قیمت تمام شده چاپ نسخه‌برگردان نسبت به تهیه تصویر نسخه معمولاً ارزان‌تر

است و پژوهشگران ساده‌تر می‌توانند به این چابها دست یابند، در صورتی که دسترسی به عکس نسخه‌ها نیازمند کسب اجازه‌های جداگانه و مکرر از صاحبان مجموعه‌هاست.

۵. حفظ نسخه‌ها از آسیبهای احتمالی

در مجموعه‌هایی چون نسخه مشهور به سفینه تبریز که شامل دهها متن مختلف ارزشمند است و تصحیح و انتشار بیشتر این متنها ضروری است، اگر بنا باشد که مصححان به صورت مداوم به نسخه مراجعه کنند، آسیب زیادی به آن وارد می‌شود و لذا چاپ عکسی این‌گونه نسخه‌ها از آسیبهای حاصل از مراجعات مکرر جلوگیری می‌کند.

۶. انتقال افکار از طریق سیر نسخه‌ها و دست به دست گشتن آنها

یکی دیگر از فواید نسخه‌های خطی که انتقال آن معمولاً از طریق چاپ نسخه‌برگردان ممکن می‌شود، بررسی سیر افکار در نسخه‌ها و به‌خصوص یادداشتهای مندرج در آنهاست. اهمیت و خصوصیات هرکدام از یادداشتهای در چگونگی رویارویی و ارزشگذاری آنها برای ما تعیین‌کننده است. مثلاً در نسخه شماره ۲۸۵۹ کتابخانه ملی پاریس که مجموعه‌ای از نوشته‌های پزشکی کهن است، یادداشتی موجود است که بنا بر تأیید کارشناسان به خط و قلم ابن سیناست (تصویر ۵). نوشته مذکور یک یادداشت مالکیت است که چنین خوانده می‌شود:

فی حوز الفقیر حسین بن عبدالله

ابن سینا المتطبّب

فی سنة سبع و اربعمائه^۳

چنین یادداشتی به عنوان تنها دستخط باقی مانده از یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان

۳. در ملک و حیازت فقیر حسین بن عبدالله بن سینای طبیب در سال چهارصد و هفت (نک: مقاله علامه محمد قزوینی: «نمونه از خط شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا»، آینه، ش ۲۴، اسفند ۱۳۰۶ش، ص ۹۰۵-۹۱۰).

اسلام برای ما بسی ارجمند است و با توجه به قدمت نسخه، می‌تواند بهانه‌ای در انتشار نسخه برگردان آن باشد. حال اگر این یادداشت مبسوط بوده و حاوی مطلبی علمی یا فایده‌رجالی و... غیره باشد، سودمندی آن بیشتر خواهد بود.

در مورد این‌گونه یادداشتها که در صفحه‌عنوان یا صفحات بدرقه نسخه‌ها دیده می‌شود غیر از یکی دو نمونه، پژوهش مبسوطی انجام نگرفته، ولی با جست‌وجوی بیشتر و توجه به موضوع، می‌توان اطلاعات سودمندی را از میان آنها استخراج کرد. مثلاً از خلال اجازه‌ها و یادداشت‌های تصحیحی که معمولاً در صفحات پایانی برخی نسخه‌ها مندرج است، فواید رجالی بسیاری را می‌توان استخراج کرد. این اجازه‌ها — البته در شکل اصیل آنها و نه رونویسهای بعدی — یادگارهایی از خط دانشمندان روزگاران پیشین است.

برای نمونه در (تصویر ۶) صفحه‌عنوان دستنویس *نهج‌البلاغه* (نسخه شماره ۵۰۸ کتابخانه مرکز احیای میراث اسلامی، بدون انجامه از حدود سده ششم) را می‌بینیم. در این صفحه عبارتی دیده می‌شود حاکی از اینکه نسخه حاضر بر آن عرضه (مقابله) شده است:

عارضه بنسختی صاحبه الفقیه السدید سهل بن امیر الرقاقی و صححه بجهده و الله تعالی
یمتعه به و بغیره و هذا خط الحسن بن یعقوب بن احمد فی جمدی الآخرة سنة ثلث و ثمانین
و اربعمائه حامداً لله عز اسمه و مصلياً علی نبیه محمد و عترته الطاهرین.

تا جایی که نگارنده دیده است، در نسخه‌های *نهج‌البلاغه* فقط اشاره می‌شود که نسخه منقول عنها از آن چه کسی بوده است و این‌گونه یادداشتها می‌تواند ما را به شناسایی تحریرهای مختلف این متن رهنمون شود.

برخی از این‌گونه یادداشتها بسیار کهن، و دارای فواید جامعه‌شناختی است که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. مثلاً در آخرین صفحه دستنویسی از *الواردات* و *التقدیسات* سهروردی (نسخه ۲۱۴۴ کتابخانه ایاصوفیا) دو یادداشت خواب وجود

دارد (تصویر ۷) که نویسنده در سال ۷۷۱ هجری به زبان فارسی یادداشت کرده در حالی که متن نسخه به زبان عربی است و نشان می‌دهد نسخه روزگاری در مناطق فارسی‌زبان بوده و آنجا نوشته شده است. متأسفانه تصویری که از آن به دست داریم چندان خوانا نیست ولی از میان مواضع خوانا نیز مطالب جالبی می‌توان استخراج کرد. برای نمونه نخستین خواب چنین توصیف شده است:

منامیه:.... یوم الاربعاء الرابع عشر من صفر المیمون. مشاهده می‌کنم که در کار استر سفریم و اسبان زین کرده و اوراق و طوامیر سپید بهم برگرفته عزیمت می‌کنیم. در کنار شهر عمّال را می‌بینیم و از سر اسب مکالمه می‌کنیم و عمّامه بزرگ بر سر و بر سر راه می‌بینیم بر سر جامه‌خوابی...^۴ خفتیده است و قنینه و مشربه دولوهی؟ برابر سرش. فی الحال از اسپ فرومی‌آییم و سنگی برمی‌گیرم؛ اول کوزه را به ضرب تمام خرد می‌کنم و بعد ازان قنینه را؛ و بعد ازان سرش را پاره‌پاره می‌کنم و می‌گویم که الحمد لله کی آسودم. و بر اسب سوار شده به خانه مراجعت می‌کنم. چو بیدار شدم، مؤذن اذان صبح می‌گفت. و الله القهار.

۷. بازسازی نسخه‌های پراکنده

می‌دانیم که در یکی دو سده اخیر، برخی از دستنویسهای هنری طعمه آتش هوس سوداگران شده و پس از تجزیه نسخه به اجزای متعدد به چندین مجموعه‌دار فروخته شده‌اند. در چنین حالتی معمولاً بعید است که بتوان تمامی اجزای نسخه را یکجا جمع‌آوری کرد و انجام چنین کاری مستلزم صرف زمان و هزینه‌های بسیار زیادی است. در این‌گونه موارد، بهترین راهی که به ما امکان می‌دهد تا نسخه را به شکل اصلی آن بازسازی کنیم، این است که تصاویر بخشهای پراکنده نسخه را گردآوری و پس از بررسیهای لازم، نسخه را به صورت اولیه آن بازسازی کنیم.

این کار در مورد برخی دستنویسها ضروری است، ولی انجام آن نیاز به ارتباطات گسترده و کسب اجازه‌های مختلف دارد. با این حال در برخی دستنویسها مانند

۴. واژه‌های ناخوانا است.

شاهنامه شاه پهماسبی که شاهکار کتاب‌آرایی و به‌خصوص نگارگری تمام دوره‌های نگارگری اسلامی است، نتیجه نهایی کار به تمام دشواریهای آن می‌ارزد و در چنین مواردی شاید حتی بتوان آن را به عنوان طرحی ملی مطرح کرد.

۸. کاربردهای مرتبط با نسخه‌شناسی و کتاب‌پردازی

بسیاری از ویژگیهای نسخه‌شناسی و کتاب‌پردازی روزگاران پیشین را نمی‌توان در چاپ حروفی این آثار منعکس کرد. بررسی این موارد و آشنایی با آنها مستلزم انتشار نسخه‌ها به صورت عکسی است.

این‌گونه موارد در چاپهای نسخه‌برگردانی که در سالهای پیش انجام شده، مورد توجه قرار نگرفته است، اما در سالهای اخیر بسیاری از آنها توجه کارشناسان و استادان نسخه‌شناسی را به خود جلب کرده و شرح آنها در مقدمه چاپ عکسی نسخه‌ها منعکس شده است.

از نمونه‌های این چاپها می‌توان به چاپ نسخه‌برگردان دستنویس هزار حکایت صوفیان و... اشاره کرد که به کوشش ایرج افشار و محمود امیدسالار منتشر شده است. استاد افشار در بخشی از مقدمه این چاپ (ص ۱۷-۲۰) متذکر شده است که این نسخه نمونه‌ای از دستنویسهایی است که برای سرعت بخشیدن به کتابت و رونویسی، توسط بیست کاتب استنساخ شده است.

نمونه دیگری از دستنویسهای متن نجومی روضة‌المنجمین است که توسط دو نفر نوشته شده و از سوی بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی به صورت نسخه‌برگردان به چاپ رسیده است.

۹. آسیب‌شناسی چاپ عکسی و لزوم ارزیابی کارشناسانه نسخه پیش از چاپ یکی از ضروریات اصلی در چاپ عکسی نسخه‌ها، ارزیابی کارشناسانه آنها پیش از چاپ است.

درست است که چاپ عکسی نسخه‌ها گاهی به این دلیل انجام می‌شود که امکانات لازم برای چاپ انتقادی آنها وجود ندارد، ولی این بدان معنی نیست که مراکزی که اقدام به چاپ نسخه‌برگردان می‌کنند، از هرگونه بررسی نسخه سر باز زنند. عدم توجه به کارشناسی نسخه‌ها باعث شده است که لغزشهایی در این چاپها دیده شود که با اندکی بررسی امکان جلوگیری از آنها وجود می‌داشت.

این بررسیها گاهی حتی در حد بررسی رکابه نسخه می‌تواند ناشر را به ساقطات یا جابه‌جاییهای نسخه رهنمون شود و چه بسا که نسخه نقصی نداشته و فقط برگه‌های آن جابه‌جا شده باشد. برای نمونه چندی پیش هنگام بررسی چاپ نسخه‌برگردان نسخه کامل *الصناعة الطبیة* توسط *معهد تاریخ العلوم العربیة* و الاسلامیه دریافتیم که رکابه صفحه ۵۰۶ آن چاپ با صفحه بعدی همخوانی ندارد و پس از مطالعه دیدیم که موضوع دو صفحه نیز با یکدیگر ارتباط منطقی ندارد و احتمالاً یک یا چند برگ از نسخه افتاده یا جابه‌جا شده است و متأسفانه آقای فؤاد سزگین در مقدمه کتاب به این موضوع هیچ اشاره‌ای نکرده است؛ در حالی که با بررسی رکابه‌ها این نقیصه به سادگی قابل تشخیص بود.

با توجه به اینکه افتادگیهای یک نسخه باید در چاپ نسخه‌برگردان منعکس شود، لازم است که پیش از چاپ نسخه، بررسیهای کارشناسی لازم انجام شود. مثلاً در چاپ نسخه ترجمه تاریخ طبری توسط بنیاد فرهنگ ایران، بررسی نسخه توسط مجتبی مینوی انجام شده است و وی نسخه مذکور را با نسخه‌های دیگر مقابله کرده و جابه‌جایی برگه‌های نسخه را تعیین کرده و در چاپ نسخه تصحیح کرده است. او جزئیات موضوع را نیز در مقدمه خود گوشزد کرده و یک مورد افتادگی که در نسخه (میان صفحات ۴۵۸ و ۴۶۱) وجود داشته، با قرار دادن یک برگه سفید میان دو صفحه نمایش داده است.

این شیوه‌ای است که مرکز پژوهشی میراث مکتوب نیز بدان توجه داشته و، بسته

به نوع متن و نسخه‌های مورد نظر برای چاپ عکسی، نوشتن دو مقدمه متن شناسانه و نسخه شناسانه برای هر اثر را ضروری دانسته است. لذا با توجه به نسخه مورد نظر ممکن است که در چاپ یک نسخه، این دو مقدمه به صورت یکجا تدوین شود و ممکن است که علاوه بر چاپ جداگانه این دو مقدمه، مقدمه‌های دیگری نیز برای آن تهیه شود. این کار باعث می‌شود تا لغزشهای فهرست‌نویسان نیز تصحیح، و ارزش واقعی نسخه‌ها با دقت بیشتری تعیین شود.

۱۰. اولویتهای مرکز پژوهشی در چاپ نسخه برگردانها

۱.۱۰. جنگها و مجموعه‌ها

از مهم‌ترین گزینه‌ها برای چاپ عکسی، جنگها و به‌خصوص جنگهای شعری هستند. ما در این گونه جنگها با مجموعه‌های منتخبی از شعرهای شاعران مواجه هستیم که به سلیقه فراهم آورنده جنگ گردآوری شده‌اند. جنگها شامل آثار گوناگونی از سرایندگان مختلف‌اند که هر یک دارای سبک خاص خود است و این باعث می‌شود تا تصحیح چنین آثاری با دشواریهای بسیاری همراه باشد و به همین دلیل معمولاً کسی در صدد برنمی‌آید که تمامی جنگ را تصحیح کند. از سویی بررسی اشعار مندرج در این جنگها برای مصححان دواوین هرکدام از شاعران ضروری است و بعضاً اشعاری در این گونه جنگها ضبط شده که در دواوین رسمی آنها درج نشده است. بنابراین انتشار نسخه برگردان این گونه دستنویسها — به‌خصوص اگر جنگ مورد نظر کهن نیز باشد — ضروری است.

۱۰.۲. متنهای خاص

در میان متون کهن گاهی به متنهایی برمی‌خوریم که بررسی و تصحیح آنها به سادگی امکان‌پذیر نیست و چاپ انتقادی این متون نیازمند سالها پژوهش توسط متخصصان رشته‌های مختلف است. چاپ اینگونه متون — به‌خصوص اگر از نظر متنی یا سابقه

تمدنی مهم باشند — به هر حال اهمیت دارد، اما به دلیل دشواری این متون بهترین راه این است که نسخه را به شیوه چاپ عکسی تکثیر کنیم تا پژوهشگران با دستیابی به این تصویر، بتوانند به تدریج به حل معضلات آنها بپردازند.

برای نمونه این گونه متون می‌توان به *طبّ اهل ختا* یا *تنکسوق‌نامه* اشاره کرد که ترجمه یک متن منظوم پزشکی چینی به زبان فارسی است و توسط (یا به نظارت) رشیدالدین فضل‌الله همدانی به فارسی برگردانده شده است. نسخه منحصر به فرد این متن که در ۷۱۳ق به خط محمدبن احمدبن محمود معروف به قوام کرمانی استنساخ شده، اکنون در کتابخانه ایاصوفیه (به شماره ۳۵۹۶) نگهداری می‌شود.

در دستنویس این اثر بخشهایی از اثر اصلی به زبان چینی منتهای خط عربی نقل شده، لذا دستیابی به شکل اصلی و در نتیجه تصحیح این موارد کار سہلی نیست. از سویی منحصر به فرد بودن نسخه نیز باعث شده است تا تصحیح بخشهای فارسی نیز به سادگی امکان پذیر نباشد و به همین دلیل دانشگاه تهران برای چاپ این اثر در «مجموعه آثار رشیدالدین فضل‌الله» تصمیم گرفت تا نسخه را به صورت عکسی منتشر کند.

۳.۱۰. نسخه‌های مجموعه‌های خصوصی

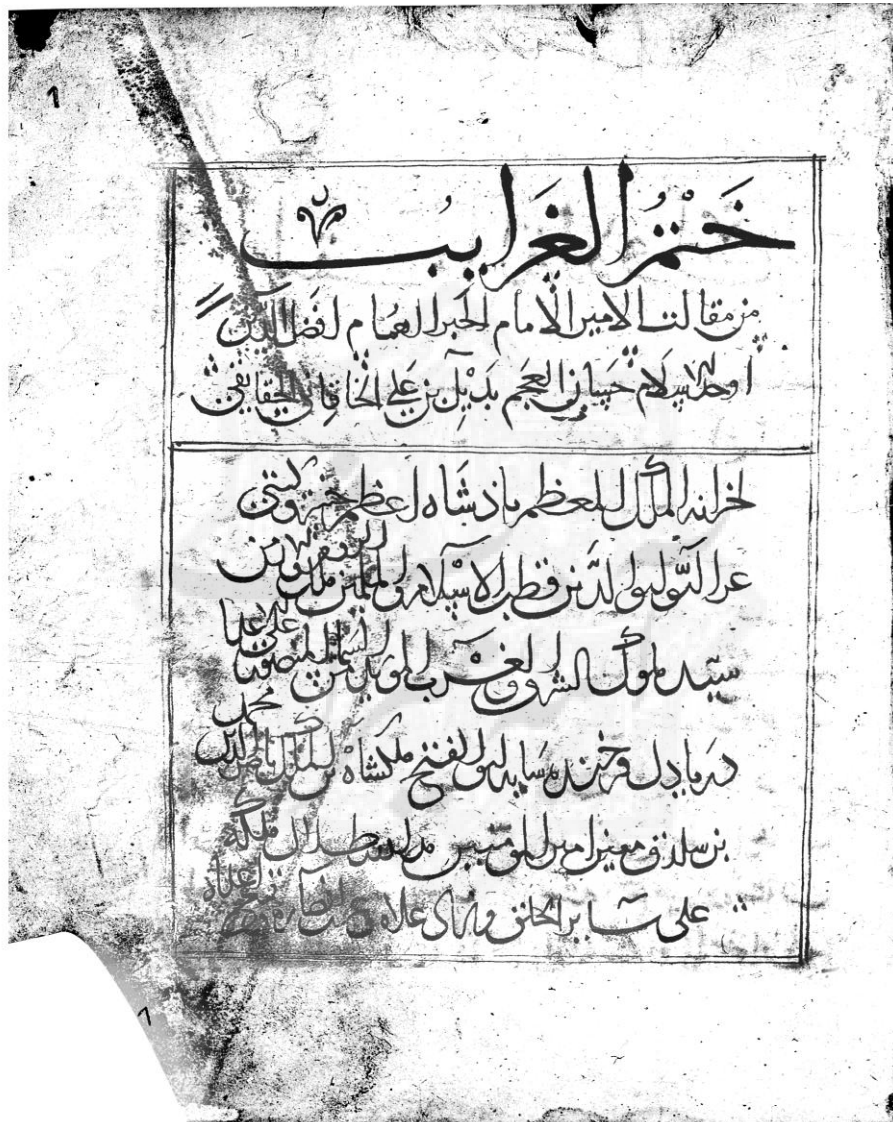
فایده دیگر نسخه برگردان، کمک به انتشار نسخه‌های ارزشمندی است که در مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شوند. مشخص است که مجموعه‌های خصوصی مانند کتابخانه‌های عمومی در دسترس همگان نیستند. در چنین مواردی اگر مالکان نسخه‌های خطی اجازه چاپ عکسی نسخه‌هایشان را بدهند، این نسخه‌ها در دسترس عموم نیز قرار خواهد گرفت.

مرکز پژوهشی میراث مکتوب در ضمن چند متنی که در دست انتشار دارد، چاپ چنین دستنویسهایی را نیز مد نظر قرار داده که نمونه‌اش نسخه‌ای کهن از متنی ناشناخته درباره تاریخ خراسان بزرگ — و به خصوص شهر هرات — است که با

عنوان تاریخ هرات چاپ شده است. از دیگر نمونه‌های این چاپها می‌توان به چاپ عکسی دو مجموعه فلسفی و عرفانی متعلق به اصغر مهدوی اشاره کرد که با عناوین مجموعه فلسفی مراغه و جنگ مهدوی توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر شده است. آنچه ذکر شد شامل برخی ویژگیها و ضرورت‌های چاپ نسخه‌برگردان نسخه‌ها بود. سعی داشتیم تا در اینجا به مواردی اشاره کنیم که کمتر بدان توجه شده و در نوشته‌های مرتبط بدین‌گونه مطرح نشده‌اند. این موارد در کنار پیش‌نویس‌های مقدماتی طرحی که توسط استاد افشار و نگارنده در نشریه آینه میراث منتشر شده است، می‌تواند زمینه‌ای برای تدوین شیوه‌نامه‌ای در زمینه چاپ نسخه‌برگردان نسخه‌ها باشد که امیدواریم به زودی گردآوری شود و مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد.

منابع

- جنگ مهدوی (کتابت از ۷۵۳ به بعد)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰ ش.
- سنایی غزنوی، ابوالمجدوبین آدم، حدیقه الحقیقه، به کوشش محمدتقی مدرس رضوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹ ش.
- فضولی بیاتلی، ملا محمد، دیوان اشعار فارسی، مقدمه، تصحیح و حواشی از حسین محمدزاده صدیق، تبریز، یاران، ۲۰۰۸ م.
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران، مرکز دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- مجموعه فلسفی مراغه، چاپ عکسی از مجموعه مورخ ۷-۵۹۶ کتابخانه دکتر اصغر مهدوی، با مقدمه نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰ ش.
- هزار حکایت صوفیان، به کوشش ایرج افشار و محمود امیدسالار، تهران، طلایه، ۱۳۸۲ ش.



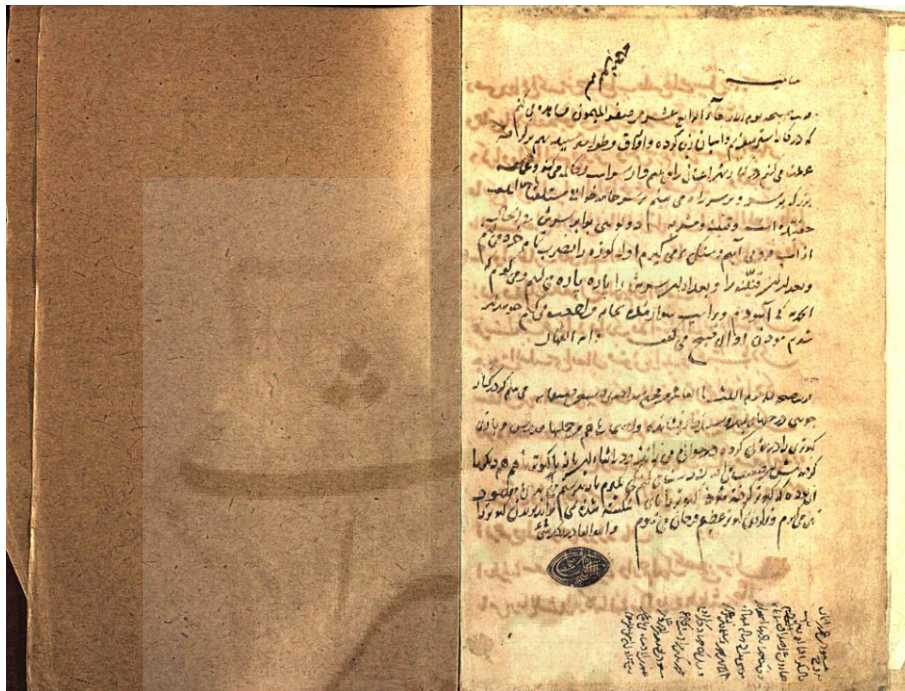
تصویر ۳. برگگی از منظومه تحفة العراقین نسخه وین



تصویر ۵. دستخط ابن سینا در نسخه ۲۸۵۹ کتابخانه ملی پاریس



تصوير ٦. نهج البلاغه نسخه ٥٠٨ كتابخانه مركز احياء ميراث اسلامي



تصویر ۷. الواردات و التقديسات سهروردی، نسخه ۲۱۴۴ ایاصوفیا

